

## سخن مرحوم آخوند درباره شبهه مصداقيه خاص:

مرحوم آخوند در ادامه به شبهات مصداقيه خاص اشاره می‌کند:

«و أما إذا كان مجملا بحسب المصداق بأن اشتبه فرد و تردد بين أن يكون فردا له أو باقيا تحت العام فلا كلام في عدم جواز التمسك بالعام لو كان متصلا به ضرورة عدم انعقاد ظهور للكلام إلا في الخصوص كما عرفت.

و أما إذا كان منفصلا عنه ففي جواز التمسك به خلاف و التحقيق عدم جوازه إذ غاية ما يمكن أن يقال في وجه جوازه أن الخاص إنما يزاحم العام فيما كان فعلا حجة و لا يكون حجة فيما اشتبه أنه من أفراده فخطاب لا تكرم فساق العلماء لا يكون دليلا على حرمة إكرام من شك في فسقه من العلماء فلا يزاحم مثل أكرم العلماء و لا يعارضه فإنه يكون من قبيل مزاحمة الحجة بغير الحجة و هو في غاية الفساد فإن الخاص و إن لم يكن دليلا في الفرد المشتبه فعلا إلا أنه يوجب اختصاص حجية العام في غير عنوانه من الأفراد فيكون أكرم العلماء دليلا و حجة في العالم الغير الفاسق فالمصداق المشتبه و إن كان مصداقا للعام بلا كلام إلا أنه لم يعلم أنه من مصداقيه بما هو حجة لا اختصاص حجيته بغير الفاسق.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. [در فرض (د) (شبهه مصداقيه مخصص متصل) وقتی نمی‌دانیم زید فاسق است یا نه، در حقیقت نمی‌دانیم آیا زید «عالم عادل» است یا نه؟ و لذا «شبهه مصداقيه عالم» حاصل شده است.]
۲. اکر العلماء الا الفساق، از ابتدا ظهورش در اکرام علمای عادل است و وقتی نمی‌دانیم که زید فاسق است، در حقیقت نمی‌دانیم آیا عالم عادل است و لذا نمی‌توانیم به دلیل در شبهه مصداقيه همان دلیل تمسک کنیم.
۳. ولی اگر مخصص منفصل است:
۴. مسئله مورد اختلاف است: ولی نظر صحیح آن است که در این فرض هم نمی‌توان به عام تمسک کرد.
۵. دلیل قائلین به جواز تمسک به عام در شبهه مصداقيه خاص منفصل، آن است که:
۶. عام (اکرم العلماء) ظهور در «وجوب اکرام همه علما» دارد ولی خاص (لا تکرم الفساق من العلماء) با این ظهور در «فساق» تزاحم می‌کند.

۱. کفایة الاصول، ص ۲۲۱



اما این تراحم در جایی می‌تواند مانع از حجیت ظهور عام شود که «خاص» بالفعل حجت باشد. و جایی که نمی‌دانیم زید فاسق است یا نیست، خاص نسبت به آن بالفعل حجت نیست.

۷. اما این دلیل غلط است چرا که:

۸. اگرچه «خاص» به صورت بالفعل زید را در بر نمی‌گیرد، ولی باعث می‌شود که «اکرم العلماء» معنون به نقیض خاص شود (یعنی تبدیل شود به اکرم العلماء العدول) و در نتیجه همان قدر که شمول خاص نسبت به زید مشکوک است، شمول «علمای عدول» هم نسبت به زید مشکوک می‌شود.

مرحوم آخوند سپس کلام خود را در شبهه مصداقیه خاص چنین جمع‌بندی می‌کند:

«و بالجمله العام المخصص بالمنفصل و إن كان ظهوره في العموم كما إذا لم يكن مخصصا بخلاف المخصص بالمتصل كما عرفت إلا أنه في عدم الحجية إلا في غير عنوان الخاص مثله فحينئذ يكون الفرد المشتبه غير معلوم الاندراج تحت إحدى الحجيتين فلا بد من الرجوع إلى ما هو الأصل في البين هذا إذا كان المخصص لفظياً.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. عام قبل از اینکه خاص منفصل وارد شود، ظاهر در عموم است
۲. ولی در جایی که مخصص متصل باشد، عام اصلاً ظهور در عموم ندارد.
۳. و از این جهت بین متصل و منفصل فرق است
۴. ولی از حیث «حجیت ظهور»، فرقی بین مخصص متصل و مخصص منفصل نیست
۵. چرا که عام بعد از تخصیص، مقید به «عنوان نقیض خاص» می‌شود.
۶. پس در فرض مخصص منفصل دو دلیل داریم: اکرم العلماء العدول و لا تکرّم الفساق من العلماء، در حالیکه معلوم نیست که زید عادل است یا فاسق است.
۷. تمام آنچه گفتیم درباره مخصص لفظی است.

ما می‌گوییم:

۱. تاکنون فرمایش مرحوم آخوند را در صورت‌هایی که مخصص لفظی است، خواندیم. مرحوم آخوند در ادامه به صورت‌هایی اشاره می‌کند که مخصص در آنها لُبّی است:

۱. همان



۲. مخصص لبی، گاه حکم دلیل عقل است، که هیچ نوع اجمال مفهومی و مصداقی در آن متصور نیست و گاه مثل اجماع، سیره، بنای عقلا، شهرت و ... می باشد که هم اجمال مفهومی دارد و هم اجمال مصداقی در آن متصور است.

۳. اما در مورد دلیل عقل، ممکن است بتوان به نوعی به اجمال در مصداق قائل شد. و این در صورتی است که عقل نه به عنوان حاکم بلکه به عنوان کاشف لحاظ می شود.

چرا که اگر کسی می گوید «اکرم جیرانی» و می دانیم عقلاً دشمنانش را مد نظر ندارد. ولی عقل در این فرض، حاکم نیست بلکه کاشف است از اینکه متکلم، دشمنانش را لازم الاکرام نمی داند. و به همین جهت عقل می تواند در مصادیق همسایه اجمال داشته باشد. ولی توجه شود که در همین صورت اجمال مفهومی ممکن نیست، چرا که عقل وقتی می خواهد رابطه متکلم و دشمن را کشف کند، باید معنای دشمن را بداند.

